

## منشور! ۹۱ یا بیعت

### با ترک مبارزه علیه جمهوری اسلامی

#### قسمت سوم (آخر)

امیرفیض- حقوقدان

#### آشتی و آشتی ملی و هدف از آن

بطوریکه استحضاردارید هم درفراخوان شورای (به اصطلاح) ملی ایران! وهم درمنشور ۹۱ وهم دربیانات اخیر اعلیحضرت مسئله آشتی ملی سرسخن وجان کلام است. درمبارزه سیاسی وهرجاکه پای آشتی به میان میآید، آنچه که مهم است هدف از آشتی است واینکه چرا وچطور وبه چه مناسبتی مسئله آشتی مطرح شده است. درست است که آخر هر جنگی صلح است ولی ورود این روال طبیعی به مبارزه سی وچند ساله ایرانیان که معتقد به عدم مشروعیت جمهوری اسلامی هستند، بدون علت نخواهد بود.

اعلیحضرت دربیاناتشان انگیزه ظهورآشتی را رفع نگرانی پاسداران وحامیان جمهوری اسلامی میدانند که سبب میشود آنها به صف مردم ببینوندند. هرقدرحسن نیست ازاین بیان مشهود است از نزدیک به حقیقت دوراست.

قبل ازآنکه درباره هدف ازآشتی ملی وظهورش گفتگوشود بهتر است به بینیم که آشتی ملی یعنی چه و آیا آنچه که مخالفین جمهوری اسلامی تحت عنوان آشتی ملی عنوان میکنند آشتی هست یاخیرتا چه رسد به ملی بودن آشتی.

آشتی عملی است که جایگزین قهرمیگردد بدون اینکه سبب خشکاندن ریشه قهرودشمنی بشود.

وبه همین دلیل است که این قبیل آشتی ها که فردی ویاجمعی است بنیاد ضعیف ونااستواردارد.

آشتی ملی، به نوعی ازآشتی گفته میشود که برپائی آن، به حکم قانون باشد وشرائط و ضمانت اجرا ومسائل تابعه آن قانونی باشد. آشتی ملی ازحقوقی است که اختصاصا به مجلس نمایندگان تعلق دارد، نه حتی به شاه و رئیس جمهور، طرح آشتی ملی همواره ازسوی قدرت حاکم وپیروزمطرح میشود تا با گذشت از مجازات شکست خوردگان، اقتدار حکومتی خودرامحکم سازد وشکست خوردگان را مدیون بزرگواری خود سازند.

نمونه های زیادی میتوان ارائه داد که از جمله است دولت شریف امامی و طرح آشتی ملی او - طرح آشتی ملی دولت الجزایر و شرائط آن، وتازه ترین طرح های آشتی ملی طرح برمه که با آزادی خانم انک سان و آزادی ۴۶ زندانی اعلام شد.

معنای آشتی ازسوی شکست خورده به معنای تسلیم واستدعای عفو وگذشت وانصراف از مجازات است منتها موقعیت حقیقی تسلیم که خفت است، خو درا درکلمه آشتی که به خفت تعادل میدهد پنهان میکند، درست مانند لشکرشکست خورده که از عناوین عقب نشینی مظفرانه وامثال آنها استفاده میکند.

#### علت حضور و تمسک به آشتی ملی چیست

بعد از شکست اصلاح طلبان که جنبش سبز راهم یدک میکشید و به بیان روشن واصیل، پس ازآنکه طیف اصلاح طلب، که مورد حمایت آمریکا بوده ومیباشد ازحضوردرمیدان سیاست وحکومت ایران منع وفراری شدند فکرآشتی ملی برای

بازگشت آنان به میدان سیاست کشور برای اولین بار از طرف هاشمی رفسنجانی در تریبون مجلس خبرگان در سال ۱۳۸۸ مطرح شد و بدین ترتیب موضوع آشتی ملی به جراند و اظهار نظر کشیده شد.

آقای عطاءالله مهاجرانی در سایت خود < طرح آشتی ملی را تنها راه بازگشت اصلاح طلبان به قدرت دانست >

**تفاوت طرح آشتی ملی مهاجرانی با طرح آشتی ملی شورای ملی ایران این است که مهاجرانی به زمینه مشروعیت طرح اهمیت داده و عقیده دارد که طرح آشتی ملی باید بوسیله یکی از مراجع تقلید تهیه شود و بعد سران جنبش سبزه آن به پیوندند تا از پشتوانه ای قابل احترام برخوردار باشد، ولی شورای ملی ایران! بوسیله افرادی بدون هویت سیاسی و اعتبار ملی و با سابقه دهن سیاسی و وابستگی به بیگانه تهیه شده است.**

قبل از مهاجرانی خاتمی هم از طرح آشتی ملی جانبداری کرد که ناطق نوری و سید حسن خمینی و هاشمی رفسنجانی هم به آن بازتاب دادند عده ای هم عقیده داشتند که بهتر است بجای آشتی ملی از وحدت ملی و میانجیگری استفاده شود.

یکی از مخالفان طرح آشتی ملی در جمهوری اسلامی که در دو دوره هم نماینده بوده گفت: < طرح آشتی ملی و یواحدت ملی به هیچ عنوان نمیتواند چیزی جز جدائی از تلاش برای وارد کردن اصلاح طلبان به نیروهای جامعه و مبادلات و رقابتهای باشد >

آقای صادق زیباکلام نوشت: < حمایت از یک چهره معتدل اصولگرا و نیاز به طرح آشتی ملی راه کار جامعه است >

آرشیو نشان میدهد کسانی از سردمداران جمهوری اسلامی که از طرح آشتی ملی حمایت میکنند عبارتند از رفسنجانی - علامه امینی - جواد کرمی - مهدوی کنی - ناطق نوری و برخی چهره های شاخص متلفه و چند تن از روحانیون و مراجع در داخل کشور و در خارج که خودتان ناظرید آنها هم نظارت توأم با سرافکندگی که چه کسانی پیشگام این طرح با اصطلاح آشتی ملی شده اند.

### اعلیحضرت و شورای ملی ایران

اعلیحضرت در بیانات اخیرشان دو توجه مهم را دادند اول - طرح شورای ملی! و آشتی ملی، آن از داخل کشور تهیه و ارسال شده است.

**تذکر -** اعلیحضرت و سوابقی که در بالا به آن اشاره شد موید ارتباط و پیوند سیاسی شورای ملی! و فراخوان ۹۱ با فعالیت های اصلاح طلبان داخل کشور در جهت آشتی و بازگشت اصلاح طلبان به سیاست است.

**تذکر دوم** این بود که < اگر میخواهید به ایران حمله نظامی نشود و ایران تجزیه نگردد به شورای ملی! به پیوندید و آنرا امضا کنید >

این توصیه و نظیر اعلیحضرت درست چند روز بعد از آن بود که یکی از نمایندگان جنبش سبز در خارج کشور خطاب به حاکمان کنونی جمهوری اسلامی گفت: < اگر میخواهید از حمله نظامی آمریکا مصون بمانید باید قدرت را به اصلاح طلبان واگذار کنید >

یعنی رابطه بین حمله نظامی آمریکا به ایران و تشکیل شورای ملی و آشتی ملی برای میدان داری اصلاح طلبان واقعی قطع است.

براستی فکر کنیم چه راهی جز انتقال قدرت به جناح وابسته به آمریکا میتواند ایران را از مزاحمتهای جنگی و تحریمی آمریکا نجات بدهد یعنی دقیقاً همان مطلبی که آن جنبش سبزی خطاب به حاکمان جمهوری اسلامی گفت.

## غرض از اشارات بالا

غرض از اشارات بالا احراز این حقیقت است که طرح آشتی ملی که بوسیله شورای به اصطلاح ملی ایران! و منشور ۹۱ اعلام گردیده و طرفدار جمع میکند طرح اصلاح طلبان است که از سال ۱۳۸۹ آغاز شد و بخش اجرایی آن در خارج از کشور بر عهده شورای ملی! و منشور ۹۱ گذارده شد و در یک کلام پرتاسف بعد از سی و چند سال مبارزه به آن نقطه رسیده ایم که خود را در موقعیت نوکری، نوکران آمریکا قرار دهیم و اصرار کنیم که ایرانیان هم از این نوکری استقبال کنند و بعد از آنکه بارها گفتند که کاری نکنید تا من بگویم چه کنید پس از سی سال، اصرار در قبول نوکری، نوکران آمریکا را با امضای منشور شورای به اصطلاح ملی توصیه! موکد میفرمایند.

از دست بوس میل به پابوس کرده ایم      خاکم به سرتزقی معکوس کرده ایم

(در روایات اسلامی از کسانی که به ترقی معکوس افتاده اند، باتام ملعون یاد شده است)

حراممان باشد آن اعتبار و اعتماد تاریخی و هویتی که نصیب داشتیم، که با رضا و رغبت به پادوئی نوکران آمریکا ثبت نام میکنیم.

سرنوشت نوکری برای بیگانه

شاید کسانی که شورای ملی! و ۹۱ رانردبانی برای رسیدن بقدرت زیر سایه آمریکا تصور کرده اند برای آنها اظهارات اخیر خانم کلینتون یک حالت ذوق زدگی بجا ایجاد کند که دانستنش برای آنها و برای ما تکلیف است.

خانم کلینتون بمناسبت تشکیل اجلاسی از مخالفان دولت سوریه در دوحه گفت:

«این شورا (مقصودش شورای ملی سوریه است) نماینده کسانی است که خصوصیات و نیات بسیار خوبی دارند اما در بسیاری موارد ۲۰ یا ۳۰ و یا ۴۰ سال در خارج از سوریه پسر برده اند. رهبر مخالفان باید نماینده کسانی باشد که در خط مقدم به نبرد میپردازند و از جان خود برای کسب آزادی مایه میگذارند - ما اسامی افراد و سازمان هائی را پیشنهاد کرده ایم که به نظر ما باید در ساختار رهبری جدید مخالفان حضور داشته باشند که نمیتوان شورای ملی سوریه را رهبر آشکار مخالفان دانست (بی-بی-سی ۱۱ آبان ۹۱)

اظهارات اخیر خانم کلینتون خطاب به ایرانیانی است که اولاً سالهای سال است که در خارج تشریف دارند دوم اینکه وحشت دارند از اینکه در راه رهائی ایران خون به بینند و سوم اینکه اگر از سوی وزارت امور خارجه (آمریکا) به آنان ابلاغ نشده که در شورای ملی و یا ۹۱ شرکت کنند ولی معطلند و حضور آنها در شورا و ۹۱ نوعی بیگاری و سیاهی لشکر برای بیگانه است، ضمناً اظهارات خانم کلینتون ماهیت شورای ملی سوریه و شورای ملی ایران که الگویی هماهنگ دارند راه فاش ساخت که تاجه حد ملی !! است

بیعت با ۹۱ و شورای ملی

بایک مثال تشبیهی به این بحث وارد شویم بهتر است. در خارج رویه ای هست که دوستی پسران و دختران به میل هر یک بدون هیچ قید و شرطی تمام میشود که «بریک آپ Break-up» گفته میشود ولی همان رابطه دوستی پسر و دختر وقتی منجر به عقد ازدواج میگردد بریک آپ پذیر نیست.

کار و مشارکت سیاسی هم در حالت معمولی و مرسوم هماهنگ با دوستی پسر و دختر است ولی وقتی در جهت خاصی قرار گرفت دیگر آدم سیاسی خود را در جریانی قرار میدهد که خروج از آن بدون دردسرو اتهام و برخی موارد مجازات نیست.

بیعت قراردادی است بین فرد بارهبر و یافرماتدار و یا حاکم. ارکان بیعت چند مورد مهم است اول اینکه باید بیعت بین فرد با فرد و یا چند نفر باشد که آن فرد، حاکم و یار رهبر باشد صورت گیرد. دوم اینکه بیعت با فکرو طرح بیعت نیست همیشه متوجه شخصیت حاکم و یار رهبر است > بیعت از اسباب رهبری نیست بلکه رهبری است که بیعت را بوجود میآورد < در بیعت لازم نیست که تمام اهل شهر و یا قبیله و غیره با حاکم بیعت کنند بزرگ ورنیس قبیله که بیعت کند، بیعت جمع اهالی آن شهر و قبیله انجام شده است و در تطبیق مورد بیعت شخصی که خود را دارای طرفدار زیادی میداند خود بخود شامل بیعت طرفداران او هم میشود.

علامه طباطبائی از بیعت تعریفی دارد که خوب آنرا تشریح کرده است میگوید:

> از نتایج بیعت یکی آن است که بیعت کننده خود را در اختیار بیعت شونده میگذارد تا رهبر هرگونه که خواست با او عمل کند، آیه ای از سوره فتح، عمل به بیعت رابه فروش جان و مال به خدا تعبیر کرده است.

در تطبیق بیعت با حقوق مدرن، میتوان گفت که بیعت نوعی عقد لازم است که حق فسخ از طرفین ساقط شده است، مانند عقد بیع. عنوان بیعت هم از همان بیع و تعهدات قطعی آن گرفته شده. است قرآن هم به بیعت و یا تعهد و عقد قطعی در آیه < اوفو بالعقود > اشارات مکرر دارد.

برخی خواسته اند بین بیعت و انتخابات قائم به رابطه حقوقی مشابه شوند ولی بنظر میرسد که چنین رابطه ای مفقود است زیرا انتخابات سبب مقام نمایندگی برای بیعت شونده میشود ولی بیعت برعکس است یعنی مقام و رهبری است که سبب میشود تا شخص خود را در تعهد و تکالیف مقرر از طرف بیعت شونده بگذارد.

در انتخابات رای دهنده میتواند از رای خود عدول کند ولی در بیعت، بیعت کننده حق فسخ بیعت را ندارد.

### موقعیت منشور ۹۱ و بیعت

نظریه اینکه آقای رامین جهانبگلو خود را صاحب فکرو عامل برنامه خشونت پرهیزی معرفی کرده است و در واقع رسالت و ماموریتی خاص برای شخص خودشان قائل شده اند عملاً در موقعیت رهبری فکرو خشونت پذیری قرار گرفته اند، لذا امضا کنندگان منشور ۹۱ در موضع بیعت کنندگان با ایشان قرار خواهند داشت یعنی باید آنچه که ایشان یعنی رامین جهانبگلو (جوجه پیامبر نوظهور) میفرمایند به جان و دل عمل کنند و حق چرا و یا مطالبه دلیل از رهبر را ندارند، فقه تشیع بیعت را تنها راه تحقق امامت و مشروعیت آن میداند.

### موقعیت منشور شورای ملی و بیعت

نظریه اینکه تاین او آخر معلوم نبوده که مدعیان شورای ملی! و منشوران چه کسی است و بعد هم که فاش شد گروهی است، نه تکفیری و از آن مهمتر کسی در منشور شورای ملی! رهبری خود را بعنوان رسول و مالک فکرو طرح آنطور که در منشور ۹۱ دیده میشود معرفی نکرده است لذا میتوان گفت که امضا کنندگان منشور شورای ملی در موقعیت بیعت قرار ندارند زیرا همانطور که عرض شد بیعت با فکرو عقیده بیعت نیست.

### موقعیت حقوقی بیعت کنندگان منشور ۹۱

نظریه اینکه قائم به بیعت در منشور ۹۱ شخص جهانبگلو است که در مقام رهبری و رسالت قرار دارد و نظریه اینکه هر عقد و تعهد و بیعتی که بر اساس کُره و تدلیس باشد باطل است و نظریه اینکه ادعای آقای رامین جهانبگلو که عملاً قطب بیعت ۹۱ قرار گرفته فارغ از اصالت و تهی از حقیقت تعلق فکرو خشونت پرهیزی به ایشان است لذا از نظر منطق حقوقی هیچگونه آثار بیعتی متوجه بیعت کنندگان یعنی امضا کنندگان نیست، ولی از آنجا که در مدار حقوقی حق استفاده از کُره و تدلیس فوری است چنانکه بیعت کنندگان تمایلی از حق خود مبنی بر خروج از بیعت نداشته باشند بیعت آنها با رهبری آقای رامین جهانبگلو قطعی است.